

عنوان مقاله:

تأملی تحلیلی گرابانه به جنبه های نمادشناختی عناصر طبیعی در شعر منوچهر آتشی

محل انتشار:

همایش بین المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

اسماعیل نرماشیری - استادیار، دانشکده ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت ایرانشهر، ایران

سمانه رضایی - کارشناس ارشد، دانشکده ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت، ایران

خلاصه مقاله:

در حقیقت نماد یکی از اشکال و شگردهای بیان ادبی در القای مفاهیم فکری است که بار معنایی واژگان را گسترش می دهد و مخاطب را با طیف وسیعی از معنای چندگانه ی آن آشنا می کند. شاعر با آفرینش نماد به کشف متناسب و متقارن تازه ای از واژگان پی می برد و زبان تازه ای را برای ایجاد مفاهیمی با کاربردی نو می آفریند. البته عمل به چنین شیوه ای مستلزم توانایی و میزان ادراک شاعر است که چگونه معانی نامأنوس را از ورای کلمات محسوس بیافریند. این مقاله با چنین رویکردی با روش مطالعه ی کتابخانه ای به شیوه ی تحلیلی-استنباطی در پی تبیین این مسأله است که چگونه نگاه متفاوت آتشی به نمادهای طبیعی و تأثیر اندیش هایش در ایجاد تصاویر نمادین، زمینه های رمزگرایی را پدید آورده است. مجموعه یافته های این جستار نشان می دهد، دلیل اصلی تجلی این نمادها در شعر آتشی، بازتاب جریانات سیاسی-اجتماعی جامعه بوده است. عناصر طبیعی در این شعر معانی نمادین متفاوتی داشته اند؛ گاه نماد خود شاعر و حالات روحی و ابعاد مختلف شخصیتی وی هستند و گاه با توجه به جو حاکم بر جامعه متضمن معانی دیگر می شوند، از جمله: ظلم ستیزی، استبداد، یأس، ناامیدی، نوستالژی و ...

کلمات کلیدی:

نماد، عناصر طبیعی، شعر معاصر، منوچهر آتشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/533185>

